

سازمانده کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

نشریه کمیته تشکیلات کشور

۲۰ بهمن ۱۳۸۵

۴۰

جمعه ها منتشر میشود

تلویزیون پرتو

هر هفته یکشنبه و جمعه از ساعت

۶ و نیم تا ۷ و نیم بوقت تهران

بمدت یکساعت

روی شبکه کانال یک از ماهواره

"هات برد"

تکرار برنامه ها ظهر روز بعد

تلفن تماس :

۰۰۴۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸

Parto.tv@gmail.com

سایتهای حزب و نهادهای

نزدیک به حزب

www.hekmatist.com

www.jawanx.com

www.marxhekmatistsociety.com

www.iran-telegraf.com

www.oktoberr.org

www.hekmat.public-archive.net

۳ سال انتظار!

هفتصد هزار معلم زیر خط مطلق فقر!

مظفر محمدی

"خجالت، خجالت، مدعی عدالت"، "مجلس به این بی غیرتی هرگز ندیده ملتی"، "می مانیم تا حق خود بگیریم"، "تعطیلی مدارس، جواب طرح مجلس"، "وزیر مترسک معزول باید گردد" و... و سرانجام در بیانیه ۳ بندی معلمان گفته شده که "مجلس تا ۲۵ بهمن ماه فرصت خواهد داشت تا نسبت به تصویب و ابلاغ مجدد این لایحه اقدام کند در غیر این صورت اعتراض معلمان ادامه خواهد یافت... در صورت عدم تصویب این لایحه، معلمان روز ۳۰ بهمن ماه و اول اسفند ماه در مدارس تحصن خواهند کرد".

به این ترتیب میبینیم، بار دیگر و پس از ۳ سال تلاش پراکنده و انتظار، معلمان آمده اند که بگویند رنج جانکاه فقر و گرسنگی خود و خانواده هایشان را دیگر تحمل نخواهند کرد.

آیا دور جدید مبارزات معلمان انتظار دردناک و فقر طاقت فرسایشان را خاتمه خواهد داد؟

برای دیدن افق پیروزی معلمان بار دیگر لازم است که تجارب تا کنونی را یاد آوری و راهکارهای آینده را بررسی کنیم.

معلمان ، تجارب تا کنونی و راهکارهای آینده

۱- **نگاهی به پشت سر**

بیانیه یزد (بهمن ۸۲) و پیامهای آن

بیانیه یزد مصوب ۲۸ بهمن ۸۲ نقطه عطفی در

جنبش حقخواهی معلمان بود. در این بیانیه

تصمیمات زیر اعلام شد:

- تجمع معلمان در روزهای ۱۳ و ۱۴

اردیبهشت ۸۳

- تحصن معلمان در روزهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷

در وزارت آموزش و پرورش ۷۰۰ هزار نفر از معلمان کشور حدود ۱۳۰ تا ۲۵۰ هزار تومان حقوق میگیرند! یعنی در خط مطلق فقر زندگی می کنند. دومین تجمع معلمان در یک ماه اخیر روز ۱۵ بهمن ماه با حضور جمعیتی بزرگ از فرهنگیان جلوی درب مجلس شورای اسلامی در محاصره نیروهای امنیتی، برگزار شد. نمایندگان تشکل های صنفی معلمان استان های سراسر کشور گرد هم آمدند تا به اقدام دولت در استرداد لایحه نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارمندان اعتراض کنند. در این همایش، نمایندگان تشکل های فرهنگیان از استانها و شهرستانهای گیلان، اصفهان، تهران، همدان، کرمانشاه، کردستان، شیراز، اردبیل، آستانه اشرفیه، پاکدشت، خمینی شهر، دزفول، خراسان و... حضور داشتند. معلمان خواستار تصویب و اجرای لایحه مدیریت خدمات کشوری، و نظام پرداخت هماهنگ حقوق هستند.

نمایندگان تشکلهای صنفی معلمان در سخنان خود که از یک بلندگوی دستی پخش میشد اعلام داشتند: "رنج جانکاه تبعیض، ذهن فرهنگیان را آشفته کرده است."، "سه سال است که با مجلسیان در تعامل هستیم. گفتند فرصت بدهید لایحه به مجلس بیاید. حالا که تصویب شده، دولت آقای احمدی نژاد گفته است که پس می گیریم. پس این وزیر در کابینه چه می کند؟" "صد نامه نوشتیم و جوابی ننوشتند، این هم که جوابی ننویسند، جواب است!" " آنچه که هست باید بین مردم عادلانه تقسیم شود." همچنین معلمان در میدان بهارستان این شعارها را سر دادند:

مرگ پر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اردیبهشت

- تجمع یک روزه معلمان جلو وزارت آموزش و پرورش

- تحریم امتحانات پایان سال

تصمیم فوق نمایندگان کانونهای صنفی معلمان، با مخالفت شورای امنیت ملی مواجه شد. این شورا در بخشنامه ای هر گونه تحصن را ممنوع اعلام کرده و تهدید کرد که مجوز فعالیت تشکلهای صنفی معلمان را لغو میکند.

به دنبال این تهدید، نمایندگان معلمان در ۲۸ فروردین ۸۳ بیانیه یزد را به شرح زیر تغییر و تقلیل دادند:

- تجمع معلمان بجای ۱۳ و ۱۴ به یک روز تقلیل مییابد

- بقیه خواستهای معلمان تعلیق میشود.

تعلیق برنامه نشست یزد یک عقب نشینی برای جنبش معلمان بود و در صفوف تشکلهای صنفی معلمان باعث ایجاد تشتت و تفرقه و دلسردی گردید. همزمان وزارت آموزش و پرورش در ۳۰ فروردین اعلام کرد که طرح ارتقای شغلی را برای بخشی از معلمان اجرا میکند. و این فقط شامل معلمان با تحصیلات کارشناسی و بالاتر میشود. همچنین حقوق معلمان حداقل ۳۰ درصد افزایش مییابد و این هم فرهنگیان بازنشسته را شامل نمیشود. معلوم شد هدف وزارت آموزش و پرورش در واقع برنامه ای برای تفرقه است. علاوه بر اینکه بعدا هم روشن شد که یک وعده تو خالی بیش نبوده است.

علیرغم تهدیدات و تدابیر و وعده و وعدهها، معلمان مجددا یک دوره دیگر مبارزات خود را شروع کردند. در روزهای ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت به مناسبت روز معلم یک سلسله اعتصابات گسترده در تهران، تبریز، کرمانشاه، سنندج، اصفهان، یزد، فسا، ارومیه، مریوان، بابل، آمل و... شروع شد. در این روزها معلمان در جلو ادارات آموزش و پرورش جمع شدند و مطالباتشان را پی گرفتند.

این اعتصاب با شانتاژ خاتمی و تحریک خانواده های دانش آموزان علیه معلمان مواجه شد. وزیر آموزش و پرورش هم در آغاز و با

ناباوری گفت، معلمان قرار نیست اعتصاب کنند. رسانه ها هم علیه معلمان دست به تبلیغ زدند. به اینها حضور لباس شخصی ها در تجمعات معلمان برای ایجاد رعب و ترساندن معلمان را میتوان اضافه کرد. وعده و وعدهای دولت هم مرتب تکرار میشد. از جمله گفتند هزار و یکصد میلیارد تومان بودجه به آموزش و پرورش میدهند تا حقوقهای معوقه معلمان را بپردازد و بقیه را صرف پروژه ارتقای شغلی معلمان کنند.

همایش گیلان (مرداد ۸۳)

با تعطیل شدن مدارس در پایان خرداد ماه، مبارزات معلمان فرو نشست. یک اتفاق مهم بهنگام تعطیلات تابستانی این بود که تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور در مردادماه در رشت اجتماع کردند و برنامه دور بعدی مبارزات معلمان را طی بیانیه ای تصویب و اعلام نمودند.

این همایش با ارباب از طرف حکومت و دستگیری تعدادی از فعالین فرهنگیان رشت و جلوگیری از شرکت نمایندگان بعضی از شهرها مواجه شد. اخبار این تجمع سانسور شد و اجازه ندادند خبر همایش و بیانیه صادره آن در مدیا و مطبوعات منتشر گردد.

"بیانیه پایانی همایش تشکلهای فرهنگیان سراسر کشور مرداد ماه ۸۳ گیلان"

۱- تجمع معلمان در سازمانها و ادارات آموزش و پرورش در روز ۱۳ مهر مصادف با روز جهانی معلم

۲- حضور در مدارس و عدم حضور در کلاس از ۱۴ تا ۲۱ مهرماه

۳- تداوم تجمع یکشنبه ها در مقابل سازمانها و ادارات آموزش و پرورش تا توقف احضارها و آزادی همکاران دستگیر شده.

۴- ارائه کلیه خدمات و حقوق تعریف شده در قانون به فرهنگیان مانند سایر کارکنان دولت (طبق ماده ۴۱)

۵- حضور در مدارس و عدم حضور در کلاس در روزهای ۱۶ آبان و ۱۵ آذر

۶- استخدام معلمان حق التدریس

۷- توقف پخش اخبار کذب توسط صدا و سیما

در مورد فرهنگیان

درخامه، تشکلهای صنفی آمادگی خود را

جهت هر گونه مذاکره و تعامل برای حل معضلات فرهنگ و فرهنگیان در هر زمان و مکان اعلام داشته و امیدوارند که متولیان امر با دوراندیشی و حسن نظر به پیشنهاد تشکلهای نگرین، با فرهنگیان باب دوستی بگشایند تا در سایه آن از پرداخت هر گونه هزینه مادی و معنوی غیر ضروری جلوگیری گردد. ضمنا هیچ تشکلی به تنهایی حق لغو بیانیه را ندارد مگر با صدور بیانیه ای از سوی تشکل صنفی فرهنگیان سراسر کشور در صورت تحقق یافتن خواسته ها.

از تاریخ ۲۵ مرداد ۸۳ به مدت یک سال شهر یزد به عنوان دبیرخانه تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور انتخاب میشود. تصمیمات بعدی در گردهمایی بهمن ماه در مشهد مقدس گرفته خواهد شد. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته. (این بیانیه به امضای کانونهای صنفی معلمان تهران و حدود ۲۰ تشکل دیگر شهرهای بزرگ ایران رسید)

بنا بر تصمیمات همایش گیلان دور بعدی مبارزات معلمان در مهر ماه شروع شد. ۷ مهرماه معلمان حق التدریس برای چندمین بار جلو مجلس تجمع کردند. ۱۳ مهر تجمع معلمان در شهرهای مختلف ایران (اصفهان، نجف آباد، خمینی شهر، همدان، کرمان، جیرفت، کرمانشاه، گیلان غرب، مریوان، اردبیل، بجنورد، شیراز...) به مناسبت روز جهانی معلم برگزار شد. به دنبال این روز در بعضی از شهرها از جمله اردبیل و مریوان معلمان به مدت یک هفته در مدارس حضور یافته اما سر کلاس نرفتند.

تجمع معلمان کردستان در شهر سنندج

روز ۱۳ اردیبهشت ۸۳ معلمان شهر سنندج و نمایندگانی از دیگر شهرهای کردستان در جلو سازمان آموزش و پرورش استان تجمع کردند و پلاکادهایی با این مضامین در دست داشتند.

- فرهنگی اتحاد اتحاد

- ما خواهان رفع تبعیض کامل در آموزش و پرورش هستیم

- ما همبستگی خود را با فرهنگیان تمام

کشور اعلام میکنیم

- ما خواهان بسط آزادی بیان و عقلانیت در آموزش و پرورش هستیم
- ما اعتراض خود را تا تحقق کامل اهدافمان ادامه خواهیم داد

در آخر تجمع قطعنامه پایانی خوانده شد.

۱- ما معلمان در استان کردستان همبستگی قاطع خود را با دیگر معلمان ایران اعلام می‌داریم

۲- ما خواهان رفع هر گونه تبعیض هستیم و هر معلم محق است از یک نوع زندگی مرفه و متناسب با شان خود برخوردار شود.

۳- با هر گونه طرحی که سبب از هم گسیختگی اتحاد فرهنگیان شود مخالفیم.

۴- طرح ارتقا شغلی در نوع خود طرحی ناقص بوده چرا که این طرح متضمن رفاه برای همکاران شاغل و بازنشسته نیست طرحی موقت و سالانه علاوه بر ایجاد فاصله میان همکاران در شرایطی اینچنین نمیتواند تمامی همکاران را در برابر تورم سرسام آور حمایت کند.

۵- قلم معلم تنها تریبون رسمی و سراسری فرهنگیان مدت زیادی است که توقیف است ما خواهان رفع توقیف از نشریه خود هستیم.

۶- ما همچنان خواستار نظام هماهنگ پرداخت هستیم.

۷- ما خواستار لغو برده داری مدرن در آموزش و پرورش بعبارت دیگر رسیدگی سریع به وضعیت همکاران حق التدریس و پاره وقت از نظر استخدام بوده و هستیم.

۸- همکاران بازنشسته که تمامی توان خود را جهت اعتلای آموزش و فرهنگ بکار بسته اند باید مورد حمایت و پشتیبانی دولت قرار گیرند.

۹- ما خواهان بهبود شرایط تدریس، تغییر محتوای کتب درسی و به روز کردن سیستم آموزش هستیم.

۱۰- امنیت شغلی از اولی ترین و اساسی ترین حقوق انسانی است. تمام پرسنل باید از این حق برخوردار شوند.

۱۱- ما خواهان ارائه گزارش عملکرد از سوی تعاونی های مسکن و مصرف هستیم.

۱۲- وزارت آموزش و پرورش موظف است مطالبات معوقه همکاران اعم از یارانه مسکن

را پرداخت نماید.

۱۳- بسیاری از همکاران مدتهاست تعهد خود را با آموزش و پرورش به پایان رسانده اند ولی هنوز به آنها کارت معافیت و پایان خدمت داده نشده است. ما خواهان بررسی هر چه سریعتر وضعیت نظام وظیفه همکاران هستیم

۱۴- انجمن صنفی، معلمان استان کردستان و تمامی همکاران آموزش و پرورش خود را موظف میدانند از همکارانی که مورد تهدید یا پرونده سازی قرار میگیرند دفاع و پشتیبانی نمایند.

۲- تجارب گذشته و محدودیتهای آن

مبارزات معلمان در ۳ سال اخیر به صورت مقطعی و پراکنده تا کنون ادامه داشته است. اکنون بار دیگر در سال ۸۵ و ۵ ماه از سال تحصیلی گذشته، مجدداً معلمان به میدان می‌آیند. کانونهای صنفی معلمان روزهای آتی را برای تجمع و تحصن به دولت و وزیر آموزش و پرورش هشدار میدهند.

معلمان و کانونهای صنفی شان برای هر گونه پیشرفت در فعالیت و مبارزه شان، نیازمند بررسی تجارب مثبت و منفی مبارزه شان حد اقل در ۳ سال گذشته اند. این تجارب جلو چشمان ما است و سوالات متعددی که جواب میخواهند:

دلیل ناکارآمدی مبارزات تا کنونی معلمان چیست؟ آیا معلمان و بخصوص تشکلهای صنفی شان به موقعیت اجتماعی و ظرفیت مبارزاتی شان آگاهند؟ موثرترین روشها و تاکتیکهای مبارزاتی کدامند؟ و ...

ناکارآمدی تشکل سراسری و صنفی معلمان
ناکارآمدی، عدم تمرکز و هماهنگی تشکلهای صنفی و سراسری یکی از موانعی است که مبارزات معلمان با آن روبرو است. مدت طولانی است که تشکلهای صنفی در هر شهر خود به ابتکار خود و در حد ظرفیت و آمادگی اعضا یا معلمان و فرهنگیان آن شهرواگذرگر دیده اند. اکثر کانونهای صنفی محلی تعطیل شده و بخشی از فعالین حقوق معلمان تحت تعقیب و آزار قرار گرفته و یا به تبعید تهدید و بخشا محکوم شده اند. آقای پیمان نودینیان دبیر کانون صنفی معلمان سنندج

جزو این تبعید شدگان است. به این ترتیب میبینیم که ظرفیت و توانایی و نیروی معلمان هنوز یک کاسه نشده است. رهبری سراسری تشکلهای معلمان در این رابطه نقش تعیین کننده داشته است. زمانی آقای محمود بهشتی دبیرکل سابق کانون صنفی معلمان اظهار میکرد که "در صورتی که راهی برای ادامه فعالیت کانون در چارچوب قانون و مقررات وجود نداشته باشد، این نهاد منحل خواهد شد!" و اکنون آقای اکبر باغانی دبیر کانون و هاشمی دبیر کل سازمان معلمان میگویند، " آمده ایم تا وفای به عهد و پیمان را به نمایندگان یادآوری نماییم." این در حالی است که علیرغم ۳ سال انتظار، در تجمع قبلی (سوم بهمن امسال) نمایندگان مجلس به فرهنگیان وعده دادند که هیات ۷ نفره‌ای برای بررسی و ارزیابی لایحه تشکیل می‌دهند. و حال امروز (تجمع ۱۵ بهمن ۸۵) همین نمایندگان آمده اند و میگویند از چنین هیاتی خبری نیست!

این آقایان و همه معلمان میدانند که همین قانون و مقررات است که فرهنگیان را به این حال و روز انداخته است. پس هر گامی برداشته شود برای تغییر این قانون و مقررات است. این چه قانونی است که حتی جمع شدن جلو مجلس و تضرع خواهی هم در آن جرم است. راه مبارزه با این اختناق، نه تعلیق برنامه و خواستههای بیانیه یزد بود و نه انحلال تشکل، آنطور که بهشتی میگوید. باید جلو رفت و سد اختناق را شکست!

تاکتیک و روشهای مبارزاتی

راه و روشهای مبارزاتی تا کنونی کمتر کارساز بوده اند. یکی از این شگردها جمع شدن جلو مجلس است. هر بار تعدادی از فرهنگیان حق التدریس یا نمایندگان تشکلهای صنفی معلمان و یا بازنشستگان جلو مجلس جمع شده و به وعده های توخالی نمایندگان مجلس گوش داده و به سر کار یا خانه برمیکردند. سوال این است که از نماینده مجلسی که خود در انداختن معلمان به این روز سهیم است، چه توقع و انتظاری میتوان داشت؟ حداکثر وظیفه و ماموریت اینها ساکت کردن معلمان و فرستادنشان به خانه

است. اینها آدمهای آلت دست و بی اختیاری هستند که نباید ذره ای به آنها متوهم بود و یا فکر کرد که کاری از دستشان ساخته است.

با نشان دادن یک موقعیت مظلومانه و انتظار ترحم از کسانی که معلمان را به این روز انداخته اند هیچ حقی به دست نمیاید! حضور در مدارس و نرفتن سر کلاس و به اصطلاح تحصن هم شیوه ای است که حدی دارد و دو سه روز بعد خود معلمان و دانش آموزان را هم خسته میکند. آنهم در شرایطی که در مدت تحصن هیچگونه فعالیت ورزشی، هنری و فرهنگی و تفریحی و یا سمینار و سخنرانی و غیره در کار نیست که جای درس و کلاس را پر کند.

معلمان از موقعیت اجتماعی و ظرفیت مبارزاتی‌شان تا کنون استفاده نکرده اند

معلمان از موقعیت اجتماعی و شخصیتی بسیار خوبی در جامعه برخوردارند. این قشر محبوب به هیچ کس بدهکاری ندارند و صمیمانه و دلسوزانه نسلها را آموزش و پرورش میدهند. میلیونها دانش آموز از متحدین معلماند. معلمان میلیونها انسان سمپات، دوست و متحد خود در میان خانواده دانش آموزان را دارند. معلمان سمپاتی و دوستی وسیع اجتماعی را پشت سر خود دارند. متأسفانه تا کنون نه نیروی خود معلمان به تمامی به میدان آمده و نه سمپاتی وسیع اجتماعی پشت خواستهای عادلانه و انسانی معلمان بسیج شده است. نیروی آکتیو در مبارزات کنونی یکهزارم کل نیروی اجتماعی معلمان نیست. راه هرگونه پیشرفت در پشت سر گذاشتن این موانع و انتخاب و اتخاذ شیوه و راههای موثر و رادیکال مبارزه و استفاده از همه نیروی معلمان و ظرفیتهای اجتماعی او است.

۳- راهکارهای آینده

پیشروی معلمان در گرو فاکتورهای زیر است:

- ۱- وجود یک رهبری سراسری روشن و مصمم و جدی و رادیکال. تنها چنین رهبری سراسری ای میتواند صفوف معلمان، تشکلهای نمایندگان‌شان را منسجم و یکپارچه و هماهنگ کند. اگر معیار اظهار نظرهای تا کنونی و

شیوه های مبارزه باشد، باید متأسفانه گفت که رهبری کنونی به شدت متوهم، ناکارآمد و ناتوان در بکار گیری کل نیروی اجتماعی معلمان برای تحقق خواستهایشان است. این رهبری به نیروی واقعی معلمان باور ندارد.

۲- انتخاب موثرترین تاکتیک و شیوه مبارزه. اعتصاب سراسری و همزمان و هماهنگ موثرترین روش مبارزاتی و کارساز است. تحصن ها و اعتصابات پراکنده و جدا از هم در هر محل برای خود چندان کارساز نیست. یک اعتصاب عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، جامعه را تکان میدهد و گوش مسولین دولتی را برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را به تجدید نظر در برخوردشان به خواستهای معلمان وامیدارد.

مذاکره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای طرفین دعوا است. از این شیوه هم باید به درستی استفاده کرد و تسلیم وعده و وعیدهای طرف مقابل نشد. تا زمانی که آموزش و پرورش و دولت، نمایندگان منتخب معلمان یا تشکلهایشان را برای مذاکره به رسمیت نشناسند، هیچگونه مذاکره خارج از این چارچوب و یا هر گونه تصمیم یک جانبه قابل قبول نیست.

۳- مجامع عمومی معلمان در سطح مناطق شهری، گردهماییهای مشترک معلمان و دانش آموزان، دعوت از والدین دانش آموزان به گردهمایی در مدارس و آگاه کردنشان به شرایط کار و زندگی معلمان و جلب حمایتشان... معلمان را از پشتوانه عظیم اتحاد درونی و حمایت اجتماعی مردم برخوردار میکند.

۴- انتشار نشریه معلمان، پخش اطلاعیه های روشنگرانه خطاب به جامعه و مردم و بویژه خانواده دانش آموزان و خود دانش آموزان در مبارزه معلمان حیاتی است. اگر مدیا پخش اخبار و مبارزات و خواستهای معلمان و شرایط فلاکتبار زندگیشان را سانسور میکند باید این سد سانسور را با چاپ نشریه، برگزاری سمینارها و پخش بیانیه و اطلاعیه

های خبری و روشنگرانه شکست.

۵- خواستهای روشن و زمانبندی شده. خواستهای معلمان در قطعنامه تشکلهای صنفی هر شهر و محل به صورتهای مختلف منعکس است. برای نمونه در نشست گیلان یا قطعنامه معلمان کردستان در سنج. . . اما همواره جای طرح یک مطالبه سراسری که مهمترین خواستهای صنفی و سیاسی معلمان را در بر گرفته باشد و همه تشکلهای محلی به آن استناد کنند و یک مبارزه سراسری حول آن راه بیفتد، خالی بوده است.

دوستان!

محکوم کردن میلیونی معلمان و خانواده هایشان به یک زندگی فلاکتبار و زیر خط فقر جرم است. عاملین آن باید به جامعه معلمان، دانش آموزان و خانواده هایشان جوابگو باشند. این کمترین توقع و فوری ترین خواست شما معلمان است. هم اکنون سرنوشت حقوق معلمان با دستمزد کارگران، حقوق پرستاران و دیگر حقوق بگیران جزء جامعه گره خورده است. اجتماع در جلو مجلس به خودی خود ایرادی ندارد اما تجارب تا کنونی مبارزات خود شما نشان داده است که نمایندگان مجلس ناجی معلمان نیستند. اینها حافظان قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و ضامن موفقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان و اعتصابات سراسری‌شان است.

دستهای گچی شما دل دولتمردان را به رحم نمی آورد، همچنانکه فقر و گرسنگی فرزندان‌تان وجدان کرم خورده این شکم سیران را بیدار نمیکند. به جای نشان دادن دستهای گچی، مشت‌های گره کرده تان را به این غاصبان نان سفره کارگر و معلم و پرستار نشان دهید!

۱۵ میلیون دانش آموز تحت فشار فقر و خواهان رهایی فرهنگی و اخلاقی حامیان شما معلمان هستند. قدرت خود را دریابید و سازمان دهید و به میدان بیایید. جز با نشان دادن قدرت اجتماعی و عزم و اراده استوار، غاصبان حقوق و داراییهای مردم و جامعه، تسلیم نمیشوند.

آزادی، پراپری، حکومت کارگری!